

با جشنواره

نگاهی به نمایش «ترن»

سمفونی ناهمخوان متن و اجرا

آینا قطبی یعقوبی

● نویسنده‌ای بر صحنه داستان می‌نویسد. داستانی نیمه تمام که در جریان ضرورت خویش، نکه‌نکه روایت شده و شخصیت‌هایش نیز برای هستی خود چانه‌زنی می‌کنند. «ترن» داستان نگارش یک قصه و جدال درونی نویسنده آن در جریان شکل‌گیری همین قصه است. نویسنده از همان ابتدای نمایش بر صحنه حضور داشته و با معرفی خود و موضوع اصلی نمایش، با مخاطب از تپاطبی رودررو برقرار می‌کند. قصه او سرگذشت شهدای گمنامی است که پس از سالیان دراز با پیدا شدن قطعه‌ای از هویت‌شان در قالب تابوت‌هایی بی‌عنوان و در بستر کارناوالی، باشکوه به شهر بازگشته و به خاک سپرده می‌شوند. هفت شهید که هر کدام در زمین، قصه‌ای و خانواده‌ای داشته‌اند. خانواده‌هایی در گذر زمان خالی از آنها، قصه‌های خویش را بسط داده و سرگذشتی تازه ساخته‌اند. سرگذشت‌های نوینی که به بهانه بازگشت این شهدا مجال روایت شدن بر صحنه می‌یابند. این روایت‌ها البته تنها قصه‌های نمایش ترن نیستند. داستان‌های دیگری چون چگونگی ساخت مزار شهدا، چانه‌زنی‌های سیاسی، سوءاستفاده‌ها و نقض غرض‌های قدرت، زلزله آذربایجان، کارگران و مشکلات شغلی آنها، مهاجران افغان و زندگی اجتماعی- احساسی آنها و… نیز همه و همه در قالب نمایشی دوساعته به شیوه‌ای تودرتو بر صحنه روایت می‌شوند. شاید همین شلوغی و تعدد قصه‌ها و معنای است که سبب شده تا نمایش نکه‌نکه و در بسیاری موارد بی‌ربط بنماید. البته تنوع داستانی و روایت‌های موازی فی‌نفسه نه تنها ایراد نمایشی محسوب نمی‌شود که در صورت داشتن حلقه‌های ارتباطی و چفت و بست محکم و باورپذیر می‌تواند یکی از نقاط قوت یک اثر نمایشی نیز باشد. اما این اتفاق در نمایش ترن رخ نمی‌دهد. داستان‌های ترن پاره‌پارند و حتی با واصله نویسنده‌ای که دایما تلاش می‌کند تا ارتباط آنها را برای مخاطب توضیح دهد نیز به‌هم نمی‌چسبند. پرسوناژ خود نویسنده نیز تا انتهای نمایش در اثر جا نمی‌افتد. او دایما به میانه قصه پریده و تلاش می‌کند تا شیوه‌های نگارش یک داستان و مسائل ذهنی نویسنده و همین‌طور منطق داستانی- ذهنی خودش را برای مخاطب توضیح دهد. توضیحاتی که بیش از آنکه در اختیار بسط و تبیین قصه باشند، اضافاتی حوصله سربزند و دورانی از حیات تئاتر ایرانی را به خاطر می‌آورند که جو فاصله‌گذاری برشتی بر کلیت صحنه‌ها حاکم بود. داستان‌های مختلف زندگی شهدای این نمایش نیز هرچند همگی در وجه سانسازی مالالت و تراژیک خویش همناوبی دارند اما در همناوبی با قصه‌هایی چون زلزله آذربایجان، روایت قدرت و کم‌دی کارگران مقبره‌ساز، جا نیفتاده و یکپارچگی لازم برای یک متن نمایشی را از دست می‌دهند. در این میان اما زلزله آذربایجان و حوادث نمایشی مربوط به آن شاید ناهمگن‌ترین قسمت نمایش باشد. داستانی که با هیچ وصله‌ای نمی‌توان آن را به کلیت نمایش چسباند. واقعه‌ای که به دلیل همین جدا افتادگی و بی‌ربطی حاتی قدر به ارتباط برقرار کردن از نوع سانسازی مثلث آن هم نیست. توضیحات نویسنده-راوی در باب‌ ادای دین به مردم آذربایجان نیز کمکی به حل موضوع نکرده و سبب چشم‌پوشی از چنین شکاف بزرگی در روند قصه‌گویی نمایش نمی‌شود. البته همه آنچه که گفته شد، مسائلی هستند که در حوزه متن نمایشنامه رخ می‌دهند. در حقیقت عدم یکپارچگی و ناهمگونی نمایش ترن، در بیشترین سطح خود مربوط به متن است. به نظر می‌آید حمیدرضا آذرنگ نویسنده این اثر، بیش از آنکه به تکنیک‌های نگارش نمایشنامه و ساختار کلی یک متن و همین‌طور منطق روایی آن توجه کند، تلاش کرده تا احساسات و حرف‌های خود را در قالب متنی بریزد که بتواند با مخاطب ارتباطی سانی مثلث برقرار کند.

هر چند عمده مشکلات این نمایشنامه مربوط به متن اثر است، اما ترن در حوزه اجرا نیز قادر به فایق آمدن بر شک‌ها،

از هم‌گسیختگی‌ها و ضعف‌های متن نمی‌شود. اجرای نمایش نیز با تفاوت فاحش در ریتم و بار عاطفی صحنه‌ها، دقیق‌تر همان ردیابی متن جاگذاشته و همان ضعف‌ها را

پررنگ می‌کند. اجرایی رتال در کنار اجرایی پازل‌وار، اجرای تئییکال و کمیک در کنار اجرایی مالیخولیایی و سوررئال

قرار گرفته و تفاوت شدید ریتم و گونه اجرایی، دایما مخاطب را پس می‌زند. صحنه‌ای از نمایش گنگ و بدون هیچ گونه کمکی به فهم مخاطب اجرا شده و در صحنه‌ای دیگر آن قدر توضیحات اضافی داده می‌شود که تمامی ارتباط مخاطب را

با مضمون قطع می‌کند و این تفاوت‌های گوناگی در اجرا با همدستی افت‌وخیز شدید و بی‌منطق ضربه‌هاگ تشاگر آن است که نیما دهقان نیز چون نویسنده متن بیشتر از آنکه به

کلیت یک اثر و ساختار آن توجه کند، جزئیات موردعلاقه خود را کنار هم چیده است. همین اتفاق در بازی‌های نمایش

نیز رخ می‌دهد، در جایی بازی پررنگ و پر جلوه امیر جعفری و در جایی دیگر بازی‌هایی بسیار کم‌جس‌تر بر صحنه نمایش

می‌یابند. بازی‌هایی که فاغ از قضاوت کیفی، در کنار یکدیگر و در متن اثر جانی‌افتنند. موسیقی دایمی نیز از نقاط ضعف این اجراست. از ابتدا تا انتهای نمایش و در قاطبه لحظات

موسیقی احساسی، زیرمتن اجراست. این موسیقی نه تنها به مرور گوش‌آزار می‌شود بلکه در بسیاری موارد باعث می‌شود

تا دیالوگ بازیگران به‌خصوص حسین پاکدل به خوبی شنیده نشود. این موسیقی احساسی تلاش می‌کند تا بار عاطفی صحنه را به دوش کشیده و مخاطب را تحت تاثیر

قرار دهد. در صورتی که قصه و اجرا در کلیت خود باید قادر باشند تا به‌خودی‌خود، احساسات عاطفی را در صورت لزوم

در مخاطب بیدار کنند. نورپردازی نمایش نیز همان آشکالات اجرایی مذکور درباب ناهم‌هنگی ریتمیک را داراست. در کل

شاید بتوان گفت که از معدود نقاط قوت این نمایش استفاده از بازیگران در نقش‌های متفاوت، طراحی لباس یکسان برای

آنها و فقدان گریم بازیگران و تکیه‌کردن بر توانایی اجرایی آنها برای پیشبرد متن است.

مکتب موسیقی نوین ایرانی، میراث گرانقدر عاشقان و دلسوختگان، فرزند دیگری را نیز از دست داد. «همایون خرم» مانند دیگر هم‌دوره‌هایش نه تنها آهنگساز و خالق آثار جوادان و از یادنرفتنی است که پژوهشگری کاران، مولفی کم‌توقع و مدرسی خیرخواه و نصیحت‌گر بود. صورت گشاده و لبخند همیشگی‌اش آینه انسانیت درون و خوی قلندروار او بود. گنجینه‌های موسیقی ایران یکی پس از دیگری به جوادانگی می‌پیوندند اما آرمان‌ها و تعلیمات مکتب صبا به با‌گل نشاندن انسان‌ها، آموزگاران و شاگردانی همچون فرامرز پایور، علی‌تجویدی، غلامحسین بنان، حسین تهرانی، همایون خرم، حسن کسایی، حبیب‌الله بدیعی، اسدالله ملک،

شرق: «آن جامی که عقل اقربن می‌زندش/ صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش/ این کوزه‌گر دهر- چنین جام لطیف / می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش». این رباعی با آواز «محمدرضا شجریان» آخرین وداع موسیقی با نوازنده‌ای بود که چهار نسل از ایرانی‌ها با ملودی‌هایش زندگی کردند. مراسم وداع و تشییع پیکر همایون خرم روز یکشنبه اول بهمن از تالار وحدت جایی که روزی میزبان او و آرشه ویلنش بود، در حالی برگزار شد که نوای سنج و دمام زانگه‌ای اسناد موسیقی، فضا را که با حضور استادان موسیقی و علاقه‌مندان به هنر پرگزار شد پر کرده بود. مراسمی که با بغض «علیرضا قربانی» و آواز «شجریان» در رثای هنرمندی برگزار شد که به قول «رضا خرم»، پسرش، خورشید بود و بر همه می‌تابید: «هر کس به قدر استعداد خودش از این نور استفاده می‌کرد اما اکنون این نور و گرما را از دست دادیم- به هر حال ما فرزندانش بودیم و این شانس را داشتیم که بیشتر از همه به او نزدیک باشیم.» «فرهاد فخرالدینی» دوست قدیمی همایون خرم و رهبر سلیق ارکستر ملی در این مراسم با بیان اینکه هنوز باورم نمی‌شود که همایون خرم عزیز در بین ما نیست؛ رباعی‌ای از خیام را در وصف او خواند و گفت: «وقتی خبر فوت همایون خرم را شنیدم با خودم گفتم همایون بر زمین نخورد. او استوار و پابرجاست و ما احساس و اندیشه او را در آثارش احساس می‌کنیم. او در ارتباط با ماست. هنرمندان عزیز ما مثل همایون خرم عمر جوادان خواهند داشت و به سادگی از بین نمی‌روند».

فخرالدینی درباره ویژگی‌های کل‌ار این استاد تازه درگذشته ایرانی گفت: «آرها‌ی همایون روان هستند و جملهبندی خوبی دارند اما نمی‌دانم از سال‌های پنجاه به بعد چه شد که بعضی از خودی‌ها و غیر خودی‌ها چهره‌های واقعی موسیقیدانان را می‌پوشانند؟! اما تاریخ فراموش‌کار نیست.

گزارش روز

آخرین اثر «چکناواریان» در تالار وحدت

شرق: ابرای «شمس و مولانا» که «لوریس چکناواریان» نوشتن آن را به پایان رسانده است، پنجم بهمن به رهبری «آرش امینی» در تالار وحدت اجرا می‌شود. لوریس چکناواریان در زمینه سمفونی، اپرا، موسیقی مجلسی، کنسرتو برای پیانو، ویلن، گیتار، ویلنسل و موسیقی فیلم آثار زیاد و ماندگاری ساخته است. آخرین ساخته او اما نوشتن اپرای «شمس و مولانا» به سفارش بنیاد شمس و موسسه فرهنگی اکو بوده است که ۲۵ آذر امسال هم‌زمان با افتتاح تالار شمس واقع در موسسه فرهنگی اکو، پنج پارتیتور از این اپرا رونمایی شد. چکناواریان در این مراسم با بیان اینکه از کودکی عاشق مولانا بوده و دوست داشته است

خبر

کوارتت «تارکوفسکی» در جشنواره موسیقی فجر

شرق: کوارتت «تارکوفسکی» که متشکل از هنرمندان فرانسوی و آلمانی هستند، در بخش بین‌الملل بیست‌وهشتمین جشنواره موسیقی فجر به اجرای برنامه می‌پردازند. کوارتت تارکوفسکی یکی از معتبرترین گروه‌های موسیقی در جهان به‌شمار می‌رود که فرانسوا کوئوریه نوازنده پیانو، آنیا لخنر نوازنده ویلنسل، ژان لویی متینییه نوازنده آکاردئون و ژان ماسک‌لارش نوازنده ساکسیفون سوپرانو این گروه هستند. آثار این گروه برگرفته



نمایشگاه ارمنیان ایران و معرفی چهره‌های تاثیرگذار ارمنی و آثارشان در هنر ایران در رشته‌های معماری، نقاشی، موسیقی، تئاتر، سینما، گرافیک، عکاسی، پیکره‌سازی، شعر و ادبیات عصر (شنبه) در خانه‌هنرمندان افتتاح شد.

یاد استاد

یادداشت «کیهان کلهر» در رثای «همایون خرم»

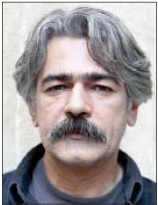
بلبلی که خزان برایش ناشناخته بود

مهدی خالدی و احمد مهاجر بارور شد و زیر سایه اساتیدی چون داریوش صفوت، حسین دهلوی، فرهاد فخرالدینی،

ابراهیم قنبری‌مهر، رحمت‌الله بدیعی، حسین

خواجهمیری و… زوال‌ناپذیر و قائم است.

این روزها در شرایطی به‌سر می‌بریم که از دست دادن مردانی همچون او، بار غمی صدچندان به دل‌می‌نشانند. نه تنها برای از دست دادنشان، رفتن‌شان، که مرگ حق است و ادامه زندگی، بلکه بیشتر به دلیل



اینکه در اوضاع فعلی فرهنگی، فقط بودن و نفس کشیدن چون داریوش صفوت، حسین دهلوی، فرهاد فخرالدینی، ابراهیم قنبری‌مهر، رحمت‌الله بدیعی، حسین خواجه‌امیری و… زوال‌ناپذیر و قائم است. این روزها‌ی عمر، پرتلاش و مصمم به نظم دادن و فراهم آوردن یادگارهای بیش‌تری از خود اهتمام ورزید تا لذت شنیدن و خواندن آثار دلربایش را سخاوتمندانه ارزانی نسل‌های علاقه‌مند آینده کند. خرم از نسل تکرار

بغض «قربانی» شکست؛ «شجریان» خواند

وداع با «همایون»



عکس: بهمن صادقی

از دوستی بیش از ۴۵ ساله‌اش با همایون خرم گفت: «چه شب‌هایی که در استودیوهای رادیویی کنار هم حضور داشتیم و به تهیه برنامه‌های رادیویی می‌پرداختیم. آن شب‌ها را فراموش نمی‌کنم و چهره پرمهر همایون خرم را از یاد نخواهم برد، او انسانی با اخلاق، با حوصله و پر مهر بود.» شجریان با بیان اینکه هنوز باورم نمی‌شود که جسم همایسون از بین ما رفت، افزود: «یک نفر آمد جلو و به من تسلیت گفت و بیان کرد: «خاکش بقای عمر شما باشد.»

نشدنی آهنگسازان و موسیقیدانان بخشنده‌ای است که از سر شیفتگی و عشق، موسیقی را فقط به‌خاطر موسیقی خواستند و بی‌چشمداشت با بد و خوب و کم و کاستش زیستند. نسلی که نعمات صاف و بی‌پیرایه‌شان چون از دل برآمده بود، به آنی، بر دل می‌نشست تا زرمزه مادران نسل من شود و هنوز که هنوز است همدم مسافران و رهگذران کوچه‌ها.

… چه جوادانگی، بود، در ایران، که صدای مهر مردم شدند و صدایشان، همیشه مردمی خواهد ماند… خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد، یادش به خیر، نغمه‌اش جاری و جایگاهش بلند.

می‌خواهم بگویم چه بقایی که آدم دوستاتش را از دست بدهد و کسی دیگر نمی‌تواند جای آنها را پر کند. وقتی وارد مجلس شدم، فخرالدینی را با چشمان پر از اشک دیدم که می‌گفت این عزیز ما هم رفت. متأسفم که هنرمندان یکی پس از دیگری ما را ترک می‌کنند و زندگی بدون این عزیزان دیگر لطفی ندارد.»

اما شاید نقطه‌لوح مراسم تشییع پیکر همایون خرم آنجایی بود که علیرضا قربانی با همراهی نی «محمد موسوی» که گفت در کنار همایون خرم در برنامه گل‌ها نواخته بود یکی از ماندگارترین آثار خرم را خواند. قربانی که یکی از شاخص‌ترین خوانندگانی بود که در ۳۰ ساله اخیر با خرم همکاری کرده قبل از اجرای این قطعه گفت: «امروز درانه‌ای را از دست دادیم و بعد است مادر دهر دیگر مثل او بیلورد. در این سال‌ها که خدمت استاد بودم، اخلاق‌مدار بودن ایشان مرا جذب کرد. ایشان یک هنرمند بودند که روی مدار اخلاقی حرکت می‌کردند و از آن دور نمی‌شدند. همایون خرم، اخلاقی داشت که گاهی فراتر از قانون می‌رفت.» قربانی آهنگ رسوای زمانه را خواند. تصنیفی که با آهنگ همایون خرم به زیبایی بازخوانی شده بود اما در میانه آواز بغض این خواننده جوان شکست. اما تصنیف با صدای مردمی که به بدرقه خالق این اثر پیوند، ادامه یافت و به پایان رسید. اما رسوای زمانه تنها تصنیفی نبود که از آثار همایون خرم خوانده شد. «محمد اصفهانی» نیز قطعه‌ای دیگر از او را خواند.

در این مراسم «علی مردخانی» رییس موزه موسیقی هم از استاد گفت. علی ترابی – مدیر انجمن موسیقی- و سید محمد میرزمانی – مدیر دفتر موسیقی- ب‌ری ملکی، علیرضا مجابی، بیژن بیژنی، محمدعلی شیرازی، تقی ضرابی، حسین پرنیا، کامران رسول‌زاده و شهرام شکوهی از هنرمندانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.

فرم درخواست اشتراک شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۱ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که در خواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله در یافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۱ ماهه	۳ ماهه	۶ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۳۶۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۵۰/۰۰۰	۳/۷۰۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک نسخه روزنامه شرق

به مدت ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی در یافت کننده: امضاء دریافت کننده:						

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۱ماهه ☐ ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐

کد اشتراک

تعداد نسخ اشتراک

مشخصات متقاضی

نام: نام خانوادگی: نام موسسه:

آدرس دقیق:

کد پستی: تلفن: نمابر:

امضای متقاضی:

نگاه صنفی

سینما را از دست ندهیم



● **مینزه حکمت**
کارگردان سینما

● جایگاه سینما در کشور به طور واضح معلوم نیست، از یک‌طرف فیلمسازان خوب شرایط کار ندارند و از طرف دیگر بودجه‌های سنگینی به تعداد خاصی از سینماگران تعلق می‌گیرد. در چنین وضعیت نامعلومی نمی‌توان خواسته روشنی از مسوولان و دست‌اندرکاران سینمایی داشت. جالب است تنها مسوولان هستند که از ما خواسته‌های بسیار دارند، ما هم دیگر قادر به انجام نیستیم. وضعیت خاص اقتصادی سینما، فیلمسازی را با مشکل مواجه کرده است. همه می‌دانند مشکل کجاست و چطور حل خواهد شد. در چنین وضعیتی که اساسا بودجه‌ای وجود ندارد چه مطالباتی می‌توان داشت؟ ما که دیگر نمی‌توانیم فیلم بسازیم. این توانایی در دست یک سری از سینماگران است، آنها هم فیلم‌های فاخر می‌سازند، اما درباره نتیجه حاصل مردم باید قضاوت کنند. ما همیشه فیلمسازان امیدواری هستیم و همچنان برای بهتر کردن وضعیت تلاش می‌کنیم، حافظه تاریخی خوبی هم داریم. در نهایت باید بگویم با کنار کشیدن سرمایه‌گذاران خصوصی، ممیزی‌های فراوان و حکمرانی حوزه هنری اینطور می‌توان فیلم ساخت، با نگرانی باید بگویم با این وضعیت گیج و سردرگم هنر، سینمای کشورمان را از دست خواهیم داد.

سر خط

● **شرق:** این روزها «صابر ابر» با «همناز افشار» و «ستاره پسیانی»، مشغول تمرین نمایش «۲۱ بار مردن در سی روز» در تماشخانه ایرانشهر است. این نمایش نوشته «سینا آذین» و دومین تجربه کارگردانی ابر است. این نمایش بعد از جشنواره تئاتر فجر در تماشخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. ایسنا: سالن «انتظار» مجموعه تئاتر شهر از ساعات آغازین اول بهمن‌ماه میزبان خیل گسترده دانشجویانی است که برای تهیه بلیت نمایش‌های مورد علاقه خود در سی‌ویکمین جشنواره تئاتر فجر به این مجموعه مراجعه کرده‌اند اما بسیاری از این دانشجویان ناچارند دست‌خالی برگردند.